



## International Seminar

"Dimensions of Persian Language and literature Available During  
Akbar's Reign (1556-1605 A.D)"

3-5 February 2016

Institute of Persian Research, Aligarh Muslim University, Aligarh  
In Collaboration Indian Council of Historical Research New Delhi

Prof. Azarmi Dukht Safavi  
Directore

Dated: 04.02.2016

# CERTIFICATION

This is to certify

**Mrs. Maryam Salehinia**

has presented a paper entitled

**GAZĀLĪ MAŠHADĪ, The First Poet laureate in Persian  
(malek-al-šoarā) at the Court of the Mughal Emperor Akbar**

in the Seminar

***Dimensions of Persian Language and Literature Available During  
Akbar's Reign and the Safavi Period***

Recognized by the Institute of Persian Research, Aligarh Muslim University  
Aligarh, 3-5 February 2016

Prof. Azarmi Dukht Safavi

Directore

Institute of Persian Research



## نازک خیالی‌های غزالی مشهدی

نخستین ملک‌الشعرای ایرانی بارگاه تیموریان هند

چکیده

غزالی مشهدی، یکی از شاعران قرن ۱۰ هجری است که سالهای کمال و نامبرداری ادبی‌اش را در هند سپری کرده، شعرش مقبول طبع شاهان تیموری هند واقع شد. با مطالعه و تحقیق در تذکره‌ها و منابع ادبی عصر صفوی، سندی دال بر نازک‌خیالی غزالی و اهمیت سبک شعری‌اش یافت نمی‌شود، اما شواهد شعری دیوان این شاعر نشان‌دهنده پیشگامی او در سبک نازک‌خیال است. مدعای اصلی این پژوهش این است که غزالی مشهدی جزو اولین شاعرانی است که سبک شعر نازک‌خیال هندی در شعرش نمودار است. برای اثبات این مدعای ابتدا با تبیین نظریه‌های شعری غزالی نشان داده‌ایم که این شاعر به سبک نازک‌خیال تمایل داشته و از اساتید نازک‌خیال پیشین پیروی کرده و سپس کوشیده‌ایم با شواهد متعدد متنی، مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی شعر نازک‌خیالانه غزالی را نشان دهیم.

درآمد

غزالی مشهدی (۳۲۳-۳۸۱) اولین شاعر ایرانی قرن ۱۰ هجری است که به ملک‌الشعرایی دربار اکبرشاه رسیده است. وی در مشهد به دنیا آمده و سپس به عراق و بعد از آن به هند مهاجرت کرده و تا پایان عمر در آنجا باقی مانده و در هند وفات یافته است. تقریباً تمامی تذکره نویسان دوره صفوی در تذکره‌هایشان از غزالی نام برده‌اند و از شعر سخن گفته‌اند، لیکن در میان منابع ادبی عصر صفوی، نمی‌توان دیدگاه انتقادی و دقیقی را که مبین سبک شعر غزالی باشد یافت. با این‌که اغلب تذکره-

نویسان، جز کسانی که با وی اختلاف مشرب و عقیده داشتند، غزالی را ستوده‌اند، اما نام این شاعر چندان که شایسته است در شعر و ادب فارسی پُرآوازه نیست. غزالی از آن‌جا که در دوره گذار سبکی به شاعری می‌پرداخته و یکی از پیشگامان تغییر سبک قرن ۱۰ بوده، دارای جایگاهی ارزشمند در ادبیات دوره صفوی است. از سویی این شاعر توانسته توجه حاکمان دشوار‌پسند هند را نیز به خود جلب کند و مقبولیت غزالی در هند بی‌شک در رواج مهاجرت شاعران پس از او به این دیار، تأثیرگذار بوده است.

## بحث

### ۱- غزالی در کلام منتقدین و تذکره‌نویسان هم عصرش

نام غزالی تقریباً در تمام تذکره‌های این دوره دیده می‌شود. توجه تذکره‌نویسان بیشتر به مسائل زندگی و معیشت این شاعر معطوف شده، و کمتر از سبک شعری این شاعر و اهمیت آن سخنی رانده‌اند. البته باید به این نکته اشاره کرد که بیشتر تذکره‌نویسان شعر غزالی را ستوده‌اند. در مذکور احباب آمده است: «در این ایام سخنانش در میان مردم شهرتی دارد. اشعارش خوب است...» (نثاری بخارایی، ۹۳۳: ۰۳۷۷). صاحب هفت اقلیم می‌نویسد: «به فضایل کمالات صوری و معنوی محلی بوده به غایت رنگین و مجلس افروز و خوش صحبت می‌زیسته» (رازی، ۰۳۷۸: ۷۹۳). اوحدی در عرفات‌العاشقین می‌گوید: «از مشهد مقدس مطهر رضویه است. بسیار شاعر پیشه، سخن‌فهم، جامع، متتبّع، فهیم، ذکی بوده. نهایت تبحر و متنانت در سخن داشته» (اوحدی بليانی، ۰۳۸۳: ۳۱۱۸). همان‌طور که عنوان شد غزالی مشهدی به نقاط مختلف هجرت کرده است؛ مسیر مهاجرت او، از خراسان به فارس و سپس از فارس به هند بوده است. در تمامی تذکره‌ها به این مسئله توجه شده است. اوحدی بليانی با تردید در این مورد سخن گفته است: «گویند چون از خراسان به عراق و فارس آمد، از آن‌جا رغبت به هند فرموده از راه دریا به دکن افتاد» (همان: ۳۱۱۳). و امین‌احمد رازی با تفصیل و قاطعیت بیشتری در این مورد اظهار نظر کرده است: «مولانا ابتدا به هند

دکن وارد شده، چنانچه باید اختر مرا دش صعود ننمود لاجرم علیقلی خان، مشهور به خان زمان، شخصی را با چند سر اسب و هزار روپیه خرج راه به وی فرستاده، مصاحبتش را التماس نمود» (رازی، ۷۹۳: ۰۳۷۸). و سپس به ملکالشعرایی غزالی و وفات او اشاره کرده است: «در حین کشته شدن خان زمان به دست اولیای قاهره افتاده، از منظوران حضرت شاهنشاهی گردیده و به ملک الشعراًی رسید. و بعد از چند وقت به مرگ فُجا از عالم درگذشته، در سرکیج گجرات مدفون گردید» (همان). اوحدی بلياني تاريخ وفات او را ۲۸۱ ذکر کرده است: «شيخ فيضي نسبت اعتقاد [و ارادت به خدمت] وی بسیار داشته و در تاريخ فوتش گفته:

همه از [طبع] خداداد نوشت

قدوه نظم، «غزالی» که سخن

«سنّة نهصد و هشتاد» نوشت

عقل تاريخ وفاتش به دو طور

۰-۰- چرایی عدم توجه تذکرہنویسان به نازک خیالی غزالی مشهدی

چنانچه در بخش قبل دیدیم تذکرہنویسان عصر صفوی اشاره مستقیمی به اهمیت حلقه واسطه بودن غزالی، در شعر نازک خیال ایرانی و هندی، مبذول نداشته‌اند. غزالی را از آن جهت که در ابتدا در ایران می‌زیسته و سپس به هند مهاجرت کرده است و ایيات ناب نازک خیالانه سروده است، باید یکی از مهم‌ترین شاعران قرن دهم هجری قلمداد کرد. درواقع غزالی یکی از پیشگامان مهاجرت به هند در قرن ۱۰ بوده و از این جهت می‌توان او را در ردیف عرفی شیرازی و ثانی مشهدی، شاعری موفق در اشاعه سبک نازک خیال هندی دانست. شاید بتوان دلیل عدم اشاره تذکرہنویسان به ویژگی‌های ناب نازک خیالانه شعر غزالی را عدم دسترسی آن‌ها به دیوان این شاعر در نظر گرفت؛ چرا که اگر تذکرہ‌نویسان به دیوان او دسترسی داشتند، یقیناً به اهمیت نازک خیالی این شاعر اشاره می‌کردند. نازک خیالی غزالی مطمئن نظر بعضی تذکرہ نویسان هند که به دیوان دسترسی داشته‌اند بوده است. محمد قدرت‌الله کوپالای در نتایج الافکار (۵۰۰، ۰۳۳۶) می‌گوید: «صیاد فکر بلندش به شکار غزالان مضامین برجسته در تکاپو... از خیالات برجسته اوست:

چه می‌سوزی بداع دوری خود ناتوانی را      که چون فانوس مشت استخوانی در بدن دارد  
اگرچه در قرن ۱۰ جریان شعر و قویی جریان غالب شعری بوده است، لیکن جریان نازک خیالی نیز  
زمینه را برای شکل‌گیری سبک هندی آماده می‌ساخته است و تذکره‌نویسان قرن ۱۰ کاملاً از تغییر  
جریان شعری و تمایل برخی شاعران به استفاده از خیالات دور و غریب – که بعدها به ویژگی اصلی  
سبک هندی مبدل می‌شود – آگاهی داشته‌اند. اثبات این مدعای می‌توان در توصیفات تذکره‌نویسان از  
شاعران نازک خیال جست. نازک خیالان قرن ۱۰ معمولاً با صفاتی متمایز از شاعران و قویی در تذکره‌ها  
توصیف شده‌اند؛ توصیفاتی همچون «خیالات خاص»، «نازک خیال»، «تشیهات غریبه»، «شعر  
مخیل»، «نزاكت خیال» و «مضمون‌بندی». به این توصیف سام میرزا صفوی در مورد رکن‌الدین  
مسعود شیرازی (متوفی ۲۳۴) توجه کنید: «این مطلع از ایشان است و بسیار نازک آمده:

گل نورسته من آن چنان نازک بود خویش      که می‌ترسم شود آزرده گر چشم افکنم سویش» (سام  
میرزا، ۳۸۷: ۷۸). و یا این توصیف تقی‌الدین کاشانی در خلاصه‌الشعار در مورد شاعری به نام  
راستی (زنده در سال ۳۸۷) : «قصیده‌ای از او بنظر رسید که الحق در آن قصیده معانی غریبه صید دام  
خیالش شده و اگر باقی اشعارش بر این روش باشد در شاعری درجه عالی دارد» (کاشانی، ۳۳۹:  
۴۳۰). در این دو توصیف که از دو تذکره‌نویس متفاوت ذکر شد، می‌بینیم که در اولی سام میرزا تنها  
یک بیت از رکن‌الدین مسعود شیرازی نقل کرده و در مورد همان تکبیت با دیدی متقدانه قضاوت  
کرده و آن را نازک خوانده است و در دومی میر تذکره به «صید معانی غریبه توسط شاعر» اشاره کرده  
تصریح کرده است که در صورت وجود معانی غریبه در سایر ابیات راستی شیرازی، او درجه عالی در  
شاعری دارد. پس تذکره نویس اولاً به خوبی متوجه تمایل به تغییر سبک (از وقوع به نازک خیال) در  
نیمة قرن دهم هجری بوده و ثانیاً وجود معانی غریب و خیالات عجیب در شعر را عاملی برای تفوق  
شعر می‌دانسته است.

## ۲- غزالی و نازک خیالی

غزالی به مانند سایر شاعران طراز اول قرن ۱۰، در خلال اشعارش ویژگی‌های شعری‌اش را بیان کرده و نظریات شعری او را می‌توان به عنوان مهم‌ترین شواهد پیشگامی‌اش در سبک هندی بررسی کرد. از سویی ویژگی‌های شعری‌ای که در شعر غزالی مشهدی نمود آشکار و بارزی دارند، تقریباً همان ویژگی‌هایی هستند که در قرن ۲۰ به ویژگی‌های مهم شعر سبک هندی تبدیل می‌شوند. ویژگی‌هایی همچون «اسلوب معادله»، «پارادوکس»، «استعاره‌های چندلایه و فعلی» و «خيالات باریک و دقیق» از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر غزالی هستند که می‌توان آن‌ها را شواهدی برای نازک‌خيالی شاعر درنظر گرفت.

### ۲-۰- نظریه‌های شعری غزالی

غزالی در سراسر دیوانش و مخصوصاً در مقطع غزل‌هایش نظریه‌های شعری خود را بیان کرده است که به کمک آن‌ها می‌توان شیوه و سبک شعری و همچنین نظر این شاعر در مورد شعر و سلیقه و پسند شعری او را دریافت. در ادامه مهم‌ترین نظریه‌های شعری غزالی را که می‌بین پیشگامی او در سبک نازک‌خيال هندی است، بررسی خواهیم کرد.

### ۲-۱- پیروی از دو تن از پیشگامان نازک‌خيالی (بابافغانی و حسن دهلوی)

غزالی در مواردی به پیروی خود از سبک دو تن از پیشگامان نازک‌خيالی یعنی بابافغانی و حسن دهلوی اشاره کرده است. این شاعر دو بار در دیوانش خود را پیرو سبک بابافغانی خوانده است:

نظم ما گر سوزناک آمد غزالی دور نیست      در طریق عشق اگر سوز از فغانی یافتیم

و یا در جایی دیگر:

گر کمالی یافت در معنی غزالی دور نیست      چون نی کلکش نوا از بلبل تبریز یافت

سبک شعری بابافغانی و طرز تازه بنیان نهاده شده توسط او، کاملاً بر سبک شعر شاعران متأخر او تأثیر گذار بوده است. اوحدی بلیانی در قرن ۰۰ و حدوداً صد سال پس از بابافغانی با دیدی متقدانه این مسئله را چنین تبیین نموده است:

«...و چون بابا از شیراز عزیمت سفر نمود، اول سیر هرات فرمود و در آنجا به صحبت و خدمت مولانا جامی دررسید و چون شعرای خراسان وی را دیدند و طرز و روشی که مخالف ایشان بود از وی مشاهده نمودند آن را نپستیدند، چه به غایت مکرّر و عجیب بهنظر ادراک ایشان جلوه کرد، لهذا زبان طعن بر وی گشاده سخنان بلندمرتبه او را بی معنی فهمیدند و نزد ایشان در این معنی ضربالمثل شد، چنانچه مدت‌ها اشعار ضيق را می‌گفته‌اند که «فغانیه» است، و این سخن چندان عجیب و غریب نیست، چه در آن زمان هیچ‌کس متوجه شعر قدما و طرز و روش ایشان نبود و همه به روشی سهل که متعارف آن زمان شده بود شعر می‌گفتند و جمیع را ظن اثم و تصور باطل آن که جمیع طرز و روش‌ها، حتی روش قدما، البته در جنب آن روش خاص ایشان منسوخ خواهد بود و چون ایشان محظوظ از روش استادان قدیم نیستند، هیچ‌کس تا قیامت نخواهد بود و شیوه ایشان ناسخ طرز‌هاست و این تازه‌گویی‌ها و روش‌ها که ظاهر شده آن وقت هیچ در عرصه نبود» (اوحدی بلیانی، ۳۸۳: ۳۹۹).

غزالی همچنین به تأثیر پذیرفتن شعرش از حسن دهلوی (متوفی ۷۳۷) چنین اشاره کرده است:

غزالی این غزل گویا به خون دل رقم کردی      که نظم سوزناکت رنگ اشعار حسن دارد  
حسن دهلوی از شاعران برجسته قرن‌های ۷ و ۸ بوده و شاعران قرن ۱۰، او را از پیشوایان نازک خیالی می‌دانسته‌اند. آصفی هروی (متوفی ۳۹۳) یکی دیگر از پیشوایان نازک خیالی قرن ۱۰، نازک خیالی‌های خود را متأثر از حسن دهلوی دانسته است:

ز خوبان گفته‌های آصفی حالی دگر دارد      که او را سوز خسرو نازکی‌های حسن دیدم

(آصفی هروی، ۰۳۴۹: ۰۴۳)

### ۹۹۰- سرایش شعر کوششی و دشوار پسندی

غزالی در خلال اشعارش به شیوهٔ شاعری خود اشاره کرده است. به عنوان مثال در بیت ذیل، او شب را مخزن گنج و صبح را نقد سخن دانسته است. شاعر شب‌هنگام بیدار می‌ماند و اشعارش را می-

سروده:

هر نقد که در ملک سخن یافت غزالی      از مخزن شب بود ز گنج کرم صبح

این مسئله در میان شاعران سبک نازک‌خيال هندی قرن ۰۰ نیز کاملاً مرسوم بوده:

تا به کف می‌آورم یک معنی برجسته را      می‌نهم در زیر پای فکر کرسی فلك

(کلیم کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۲۷)

غزالی در جایی دیگر به دشوارپسندی‌اش در شعر و تلاش برای سرایش شعر دشوار چنین اشاره کرده است:

گرچه پیش من غزالی مشکل و آسان یکی است      در سخن هر دم زمین مشکلی خوش می‌کنم

صاحب تبریزی بر جسته‌ترین شاعر نازک‌خيال قرن ۰۰ با بیانی متفاوت همین سخن غزالی را تکرار کرده است:

بهره زان موی میان نازک خیالان می‌برند      در نیابد هر کسی این معنی پیچیده را

(صاحب تبریزی، ۰۳۶۵: ۰۱۶).

### ۱-۳- عدم استفاده از مضمون دیگران و سرایش شعر تازه

غزالی در میان نظریه‌های شعری اش چندین بار به بکر بودن مضامین شعری اش اشاره کرده است:

نظم تو از این سحر بیانان مزه دارد

این رنگ سخن طرز کسی نیست غزالی

چون خامه تو سحر بیانی ندیده‌ایم (ص ۹۵۱)

نو کن طریق نظم، غزالی که در غزل

این طرز غزل رنگین وان رنگ سخن تازه (ص ۹۷۸)

در وصف خط و لعلت رو داد غزالی را

که طرح نظم نینداخت در زمین کسی (ص ۹۷۶)

همین بس است ز طرز غزل، غزالی را

صاحب نیز سخن تازه و بکر را همچون آب حیات و حتی برتر از آن می‌داند:

آب حیات را به خضر باز می‌دهد (صاحب تبریزی،

صاحب کسی که از سخن تازه یافت جان

(۹۱۷۹:۰۳۶۵).

## ۲-۲- ویژگی‌های نازک خیالانه شعر غزالی

با بررسی دیوان غزالی مشهدی، ابیات اندکی را می‌یابیم که به شیوه وقوعی‌گویان قرن ۱۰ هجری سروده شده‌اند، این درحالی است که ابیات متعددی از غزلیات غزالی، حاوی نازک خیالی‌های شگرف است. می‌توان این احتمال را مطرح کرد که ابیات وقوعی موجود در دیوان شاعر، پیش از عزیمت او به هند سروده شده باشد و احتمالاً حضور در هند و آشنایی با شاعران نازک خیال دربار اکبرشاه، بر سرایش غزل‌ها و تکبیت‌های ناب نازک خیال او تأثیر گذار شده است. در ادامه ویژگی‌های پرنسامد نازک خیالانه غزل‌های غزالی مشهدی را بررسی خواهیم کرد.

## ۱-۲-۲- اسلوب معادله

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر سبک هندی – و شاید مهم‌ترین ویژگی آن – استفاده شاعران از اسلوب معادله است. شفیعی کدکنی اسلوب معادله را نوعی این‌همانی میان دو مصراج یک بیت معرفی کرده است:

«مجموعه آنچه متأخرین بدان تمثیل اطلاق کرده‌اند معادله‌ای است که به لحاظ نوعی شباهت، میان دو سوی بیت – دو مصراج – وجود دارد و شاعر در مصراج اول چیزی می‌گوید و در مصراج دوم چیزی دیگر، اما، دو سوی این معادله، از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند تا آنچه را قدما تمثیل، یا تشبیه تمثیل خوانده‌اند از قلمرو این تشبیه جدا کنیم...» (شفیعی کدکنی، ۰۳۲۹: ۸۴). در شعر غزالی – که حدود یک قرن پیش از شکوفایی سبک نازک خیال هندی به شاعری می‌پرداخته است – نیز اسلوب معادله به چشم می‌خورد. البته در اسلوب معادله‌های غزالی گاه دو مصراج با حروف ربط یا تأکید به هم مرتبط شده‌اند. با توجه به این‌که غزالی در قرن ۱۰ می‌زیسته و قواعد چگونگی استفاده از اسلوب معادله هنوز برای شاعران واضح و آشکار نبوده، می‌توان این نوع اسلوب معادله‌ها را نمونه‌های ابتدایی اسلوب معادله و الهام بخش برای شاعران سبک هندی در نظر گرفت. البته در شعر غزالی اسلوب معادله‌هایی نیز به چشم می‌خورد که کاملاً از قاعده پیروی می‌کند و احتمالاً این مدل از اسلوب معادله‌ها زمانی سروده شده‌اند که شاعر در نازک- خیالی به مقام استادی رسیده بوده است. در ذیل نمونه‌هایی از اسلوب معادله‌های غزالی را نشان داده‌ایم:

خوش است آن لعل لب در سایه خورشید رخسار  
بلی همسایه خورشید می‌دانند عیسی را

دل گرفتار تو شد او را چه می‌بندی به زلف  
بال کی بندند مردم مرغ دست‌آموز را

برگرد آن دو عارض گردد بر گرد بوستانها  
آری نسیم گردد بر گرد نسیم آهن

به راحتی نرسید آن که محتنی نکشید	ز درد عشق غزالی شکایت این همه چیست
نخل خم گردد بلی هرگه فزون بار آورد	قامتم خم شد غزالی تا فزون شد بار عشق
بود ورق بر ورق دفتر مجنون غلط	کلک غزالی نداشت زمزمه عاقلان
کاروانان را میسر نیست بودن در رباط	چون جهان دیدی غزالی توشه رفتن بساز
حضر را مشکل بود بی آب حیوان زیستن	شد دل زنگار خوردم را به پیکان تو خو

### ۲-۳-۲ - پارادوکس

متناقض‌نما (پارادوکس) یکی از ویژگی‌های مورد علاقه شاعران سبک نازک‌خيال و دور‌خيال هندی بوده است. این ویژگی به خصوص در سبک شعری بیدل دهلوی نمود و بسامد بالایی دارد:

ای صافی مطلب نفسی زنگ برون آ	در ناله خامش نفسان مصلحتی نیست
(بیدل، ۹:۰۳۸۳).	

غزالی مشهدی نیز به استفاده از پارادوکس علاقه وافری داشته و تصاویر زیادی را با کمک متناقض‌نما ساخته است که در ادامه بعضی از آن‌ها را خواهیم دید:

در غم لیلی مپرس کز مژه مجنون چه کرد	بر طرف دشت بین خار گل انگیز را
خسرو عالم فقریم و زهی دولت ما	ما گداییم و گدایی سبب شهرت ما
در عشق تو جمعیت ما تفرقه ما	ای با غمت از روز ازل سابقه ما
اطلس پادشاهی خرقه پشمینه ما	خسرو عالم فقریم غزالی در عشق
کس را خبر از ذوق گرفتاری ما نیست	گویند که خوب است نجات از غم خوبان

شاهان ژنده‌پوش جنون را به ملک  
سنجاب چرخ آمده و صبح قاقم است

سامان من از بی سر و سامانی عشق است  
جمعیت عاشق ز پریشانی عشق است

گر غزالی دعوی شاهی کند در ملک فقر  
حاجت لشکر ندارد نظم عالمگیر بس

هیچ‌گه شادی ندیدم در خراب آباد دهر  
وه چه بد کردم که سوی این غم‌آباد آمدم

ساقيا دوران ندارد برگ عشرت چاره چیست  
ما خمار آلوده نه شیشه مینا تهی

### ۲-۲-۳- تصاویر و خیالات شگرف مبنی بر استعاره

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایيات نازک خیال غزالی، تصویرسازی‌های استعاری اوست. استفاده از استعاره و تمایل به استعاره‌گرایی در قرن ۰۰ - و در سیک نازک خیال هندی- به اوج خود می‌رسد.

صائب تبریزی در این مورد می‌گوید:

سخن به خوش نمکی شور در جهان فکند      به قدر اگر نمک استعاره ای دارد  
( صائب تبریزی، ۰۳۶۵ : ۰۶۰ )

همچنین طالب آملی دیگر شاعر بر جسته نازک خیال ملاحظ شعر را وابسته به استعاره می‌داند:

نمک ندارد شعری که استعاره ندارد      سخن که نیست در او استعاره نیست ملاحظ

( طالب آملی، ۰۳۴۶ : ۰۵۷ )

استفاده غزالی از استعاره‌های پیچیده بسامد بالایی دارد. درواقع می‌توان قدرت تخیل بالای این شاعر را در خلق تصاویر استعاری به وضوح دید. به این بیت توجه کنید:

به دامانم دمام دمادم طفل اشک از روزن دیده      از آن افتاد که پیچد پای او در دامن دیده

شاعر در ابتدا اشک را به طفل تشبیه کرده و سپس با جانبخشی به طفل اشک، استعاره مکنیه ساخته است. همین اتفاق در مصraig دوم برای واژه «دیده» رخ داده است. شاعر «چشم» را انسانی تصور کرده که دامن به پا می‌کند. اوج هنر و زیبایی تصویر در مصraig دوم و جایی است که شاعر با حسن تعلیلی خیالی و استعاری، دلیل افتادن اشک از چشم را «پیچیدن پای اشک در دامن دیده» بیان می‌کند!

در ذیل نمونه‌های دیگری از چنین باریک‌اندیشی‌ها و خیالات دقیق را نشان داده‌ایم:

خدنگ او شکست از تندباد آه من در دل      ریاض سینه را نازک‌سفالی بود پنداری  
عکس رخ آن ماه بیین در نظر من      هر سو مژه‌ام هاله به گرد قمر از مو  
رُخت آیینه را داغی نهاد از رشک خود بر دل      تو پنداری که آن‌جا گشته ظاهر عکس خال است این  
بر نیامد لاله‌ها از تربت مجنون که هست      قطره‌های اشک او بر دامن هامون هنوز  
غزالی این دل خون گشته لاله‌ای است که او      به داغ مهر غزالان چین برآمده است  
کباب بزم جنون خام سوز بود و لیکن      کسی نیافت که دل یا کباب کدام است  
بی نهایت آرزو دارم که باع عشق را      بر سر هر شاخ برگ آرزویی دیگر است  
کردیم به راهت قدم از دیده گریان      کس را قدم سعی چوبی آبله‌ای نیست  
عکس رویت دید در آیینه خورشید از فلک      بهر آن چون پرتو آیینه دارد اضطراب  
زین سان که بر تو گریم همچون حباب آخر      بر روی سیل اشکم، گردند آسمان‌ها  
رخ آن نازنین آزرده شد از سایه زلفش      به هر سو از کبودی‌های نیل اینک نشان پیدا  
از تار هوس دلق فنا بخیه ندارد      این است نشان، خلعت زیبنده ما را

گل امیدواری از ریاض عاشقی کم جو  
که هرگز غنچه امید نشکفت این گلستان را  
عکس رویم گفته‌ای در چشم پر اشک تو چیست  
دیده‌ای در شیشه گلبرگ گلاب آلوه را  
قطره خون نیست که چشم از دلم  
بر سر مژگان زده پر کاله را

#### ۹۹۴ - تصویر سازی با واژه داغ

واژه داغ، مهم‌ترین واژه در تصویرسازی‌های غزالی است. این شاعر بیشترین تصویرسازی را با کمک واژه داغ انجام داده است. در این میان برخی کلمات همچون پنه، لاله، جنون، دل و مهر در کنار «داغ» به کار رفته‌اند و تصاویر متفاوتی را ساخته‌اند. استفاده زیاد شاعر از این کلمه او را در ساخت ترکیب‌های جدیدی همچون «داغ جنون»، «داغ مهر»، «داغ هوس» و ... یاری داده است. استفاده از واژه داغ و متعلقات آن در سبک شعری شاعران سبک هندی نیز نمود بالایی دارد. به عنوان مثال صائب با این واژه اینچنین تصویر ساخته است:

شاخ از شکوفه پنه سرانجام می‌کند      از بهر داغ لاله که در خون نشسته است  
(صائب تبریزی، ۳۶۰: ۰۳۶).

در ادامه نمونه‌هایی از ساختهای واژگانی و تصویری که غزالی با واژه داغ ساخته است را خواهیم دید:

از خال بتی در دل دیوانه غزالی  
خواهم که دگر تازه کنم داغ هوس را  
مگر از هجر دارد داغ بر دل  
که رنگ عاشقان دادند نی را  
هر کفی کز دهن ناقه لیلی بچکید  
پنه داغ جنون گشت سر مجnoon را  
طعنه کم زن بر طریق منکران راه عشق  
زان که ایشان را در این ره داغ گمراهی بس است

همچو باگی است که هم لاله در او هم سمن است	بس که بر سینه من پنجه داغ است عیان
بر جگر داغی کز آن آهوی چینم مانده بود	لاله صحرای حسرت شد غزالی بعد مرگ
بس بود از خال آن مشکین غزالت داغ دل	نافه زلفش غزالی گر نمی آید به دست

### نتیجه

غزالی مشهدی از آن جهت که از نازک خیالان سده دهم است یعنی روزگار غلبه شعر وقوعی و احتمالاً به دلیل همین نازک خیالی مطلوب طبع سلاطین تیموری هند قرار گرفته و نخستین شاعر ایرانی است که در هند به ملک‌الشعرایی نایل می‌شود، جایگاه ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین مدعایی که مطرح کردیم و سعی کردیم با شواهد متعدد آن را اثبات کنیم این است که اگرچه تذکره‌ها و منابع عصر صفوی به اهمیت سبک شعری غزالی اشاره مستقیم نکرده‌اند، اما شواهد و نظریه‌های شعری غزالی گواه نازک- خیالی او و پیشگامی اش در سبک نازک خیال هندی است. پس از وی فیضی فیاضی که از ارادتمندان غزالی است و او را «قدوه نظم» می‌خواند، در کسوت ملک‌الشعرایی درآمده است و این نشان از امتداد تأثیرگذاری سبک غزالی دارد. ویژگی‌های مهم شعر نازک خیال غزالی که در قرن ۰۰ به موارد پرسامد سبکی شعر سبک هندی مبدل می‌شود عبارتند از: اسلوب معادله، پارادوکس و تصاویر و خیالات شگرف مبتنی بر استعاره.

### منابع

آصفی هروی، (۰۳۴۹). دیوان، تصحیح هادی ارفع، تهران:

وحدی حسینی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین، (۰۳۸۷). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

بیدل دهلوی، میرزا عبدالقدیر، (۰۳۸۲). کلیات بیدل دهلوی، تصحیح خال محمد خسته و خلیل الله خلیلی. چاپ اول تهران: طلایه.

رازی، امین احمد، (۰۳۷۸). هفت اقلیم، تصحیح سید محمد رضا طاهری، تهران: سروش.  
سام میرزا صفوی، (۰۳۸۲). تحفه سامی، تصحیح فاطمه انگورانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۰۳۴۹). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگه  
صائب تبریزی، میرزا محمد علی، (۰۳۶۵). دیوان، به کوشش محمد قهرمان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

طالب آملی، محمد، (۰۳۴۶). دیوان، تصحیح طاهری شهاب، تهران: کتابخانه سنایی.  
غزالی مشهدی، (۰۳۸۰). دیوان، تصحیح حسین قربانپور آرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کاشانی، میر تقی الدین محمد بن علی، (۰۳۴۹). خلاصه الاشعار (بخش شیراز)، تصحیح نفیسه ایرانی،  
تهران: میراث مکتوب.

کلیم کاشانی، ابوطالب، (۰۳۶۳). دیوان، تصحیح محمد قهرمان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

کوپالای، محمد قدرت الله (۰۳۳۶). نتایج الافکار. به کوشش اردشیر خاضع. بمیشی: چاپخانه سلطانی.  
نشری بخارایی، حسن بن خواجه، (۰۳۷۷). مذکر احباب، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: نشر مرکز.